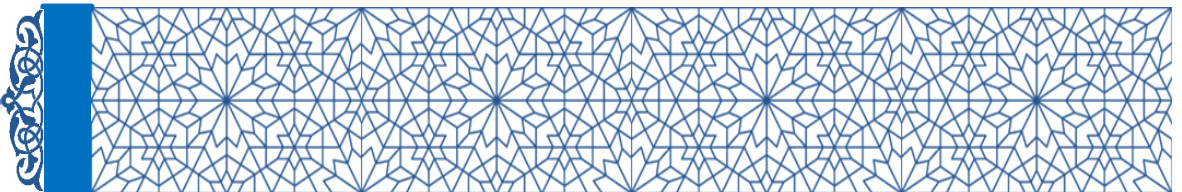


راه‌های نفوذ شیطان و چگونگی مقابله با آن‌ها

نمبر یازدهم







وسوسه به قلبی که حرم الهی است، راه ندارد

تمام انسان‌هایی که زمین خوردند، گرفتار وسوسه فکری شدند، «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ؛ قلب مؤمن عرش الهی است»، قلبی که جایگاه یاد خداوند و حرم الهی است، وسوسه به آن راه ندارد و از آن فرار می‌کند، اما قلبی که خالی از یاد خداوند است، وسوسه به آن وارد می‌شود.

یکی از ابزار بیرون راندن وسواس خناس از قلب انسان از دیدگاه قرآن کریم، تقوای الهی است، خداوند در آیه ۲۰۱ سوره اعراف می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛ پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد خدا و پاداش و کیفر او می‌افتند و در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و ناگهان بینا می‌شوند.»

کار شیطان این است که با طواف به دور انسان، او را غافل کند، اما شعاع نورانیت انسان‌های باتقوا به واسطه یاد خدا، شیطان را از آن‌ها دور می‌کند.

ذکر باید از قلب انسان برخاسته شود و اگر تنها لقلقه زبان باشد، فایده‌ای ندارد؛ چه بسیارند انسان‌های عالم که دارای علم زیاد هستند، اما در عین حال جاهل هستند، زیرا علم دارند اما به آن عمل نمی‌کنند، ذکر می‌گویند، اما قلبی نیست. خداوند در آیه ۲۶۸ سوره بقره می‌فرماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ شیطان، شما را وعده فقر و تهیدستی می‌دهد و به فحشا و زشتی‌ها امر می‌کند اما خداوند وعده آمرزش و فزونی به شما می‌دهد و خداوند، قدرتش وسیع و به هر چیز داناست.»

یکی از وسوسه‌هایی که شیطان انجام می‌دهد، این است که انرژی منفی را به درون قلب انسان پمپاژ می‌کند، فقر تنها به معنای نداری نیست، بلکه فقر به معنای ناتوانی، نداشتن و غیره هم هست و شیطان همواره نداشتن، ناتوانی، قادر نبودن و موارد منفی را به انسان تلقین می‌کند. شیطان گاهی انسان را به وسواس می‌اندازد، وسواس در طهارت و نجاست، وسواس اعتقادی، وسواس در رفتار و غیره؛ خداوند در این باره می‌فرماید هر گاه صدای منفی در درن تو طنین افکن بود، بدان که صدای شیطان



است، اما هر گاه صدای مثبت و انرژی در دوردن تو به گوش رسید بدان که صدای رحمان است.

دنیا بهشت مؤمن است

در روایتی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده «ما من مؤمن أَلَا و لقلبه فی صدره اذنان: اذن ینفث فیها الملک و اذن ینفث فیها الوسواس الخناس فیؤید الله المؤمن بالملک، فهو قوله سبحانه: و ایدهم بروح منه؛ قلب هر انسان باایمانی دارای دو گوش است؛ گوشی که در آن فرشته الهام بخش و گوشی که در آن وسوسه گر خناس می دمدم. خدای فرزانه انسان باایمان و کمال جو را به وسیله فرشته وحی یاری می رساند و این است مفهوم این آیه که می فرماید: ... و ایدهم بروح منه.»

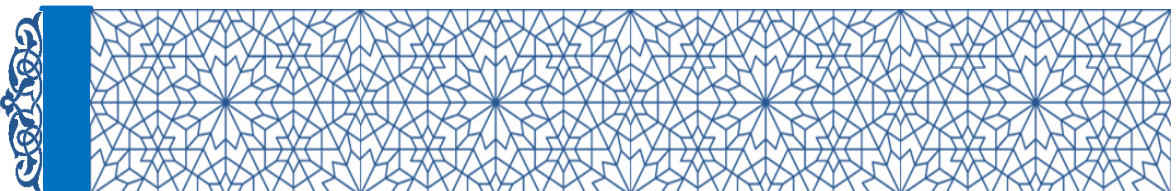
وسواس به معنای هر صدای آهسته ای است که انسان را به انحراف بکشد و خناس نیز به معنای موجودی که مرتب آشکار می شود تا نیش بزند؛ انسان مؤمن به صدای رحمان گوش می دهد، اما افراد غیر مؤمن نمی خواهند صدای ملک را بشنوند و صدای شیطان، وجود آنان را پر کرده است.

دنیا بهشت مؤمن است و بهشت مؤمن از دنیا آغاز می شود، گفت: مؤمن در همین دنیا بهشت را احساس می کند و صدای رحمان را، صدای محبت و امید را می شنود، مؤمن بوی خوب را از بوی بد تشخیص می دهد، بوهای معنویت را استشمام می کند، از نماز لذت می برد، از مسیری که انتخاب کرده و از «قال الصادق» و «قال الباقر» راضی است.

کسالت از موارد وسوسه شیطان است

امروز بحث ایمان درمانی و قرآن درمانی مطرح است، خداوند در آیه ۲۸ سوره رعد می فرماید «أَلَا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ این آیه را هیچ گاه فراموش نکنیم، آرامش در دل، انجام وظیفه است، نه تنبلی؛ انسان هیچ گاه در تنبلی آرامش پیدا نمی کند، اگر انسان به یاد خدا باشد، مأموریت خود را به درستی انجام می دهد.

در قاموس قرآن کریم خداوند سبحان انسان های تنبل را تحقیر می کند، انسان جوان که اهل تلاش و جهاد است، بنا به فرموده خداوند در قرآن کریم، «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى



الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ خدا مجاهدان فداکار به مال و جان را بر بازنشستگان از جهاد بلندی و برتری بخشیده و همه اهل ایمان را وعده پاداش نیکو فرموده و خداوند مجاهدان را بر بازنشستگان به اجر و ثوابی بزرگ برتری داده است.»

بحث کسالت یکی از موارد وسوسه شیطان است، هر چه که اراده را سست و عزم را کم کند و به سوی تبلی و سستی براند، وسوسه شیطان است؛ حال آن که هر چه به سمت امید و تلاش و حس خوب دعوت کند، صدای رحمان است.

خداوند در آیه ۱۶ سوره مبارکه «ق» می فرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ؛ ما انسان را آفریدیم و وسوسه های نفس او را می دانیم و ما به او از رگ قلبش نزدیکتریم.»

تقویت ایمان فرزندان، آنان را از فتنه های روزگار در امان می دارد

ما برای مبارزه با وسواس و وسوسه باید تقوای خود را تقویت کنیم، ما باید اعتقادات خود را نسبت به خداوند متعال تقویت کنیم، بنا به فرمایش یکی از بزرگان، اگر اعتقادات درست شود، اخلاق مردم هم درست می شود. ما برای این که فرزندانمان از فتنه های روزگار در امان بمانند، باید ایمان آنان را تقویت کنیم. خداوند در آیه ۲۰۱ سوره اعراف می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛ پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه های شیطان شوند، به یاد خدا و پاداش و کیفر او می افتند و در پرتو یاد او، راه حق را می بینند و ناگهان بینا می شوند.»

دوست بد از دیگر مصادیق وسوسه و وسوسه گر است

یکی دیگر از موارد و مصادیق وسوسه و وسوسه گر، دوست بد است که همسایه بد، والدین بد، فرزند بد، دوست بد، محیط بد، پیامک های انحرافی، صحنه ها و فیلم های بد، مهمانی و مجالس بد، سخنان بد و غیره را نیز شامل می شود.

خداوند در آیه ۵۳ سوره اسراء می فرماید: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا؛ و به بندگان مؤمن من بگو که در گفت و گو با کافران سخنی را که نیکوتر است بگویند و از سخن ناشایسته پرهیزند که مؤمنان فرمان تو را اطاعت خواهند کرد. بی تردید، شیطان با همین سخنان ناشایسته میان مردم فتنه انگیزی می کند، زیرا او برای انسان دشمنی آشکار است.»

زندگی خود را بر اساس سبک دستورات قرآنی تنظیم کنیم

بر اساس این آیه، انسان که اشرف مخلوقات است، حق ندارد غیر احسن سخن بگوید، رعایت نکردن نزاکت و آداب در سخن گفتن، باعث اختلاف خانوادگی می شود.

بر اساس آیات قرآن کریم، شیطان برای انسان عدو مبین است، تنها شیطان وسوسه گر نیست، بلکه هوای نفس، انسان های شیطانی، فضاها، گفتارها و محیطها نیز می توانند وسوسه گر باشند و ما باید خود را از چنگ وسوسه گران نجات دهیم که در غیر این صورت، هم دنیا و آخرت ما را خراب می کنند. ما باید مراقب باشیم که امید را از دست ندهیم، وقتی انسان امید را از دست بدهد، صدای منفی در درون انسان می پیچید و شیطان به درون او راه پیدا می کند.

در دعای روز بیست و یکم ماه مبارک رمضان آمده است:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ دَلِيلًا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلًا وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي مَنْزِلًا وَمَقِيلًا يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ.

ای خدا در این روز مرا به سوی رضا و خشنودی خود راهنمایی کن و شیطان را بر من مسلط مگردان و بهشت را منزل و مقامم قرار ده، ای برآورنده حاجات طلب کنندگان.

در فراز نخست دعا عرضه می داریم: «اللهم اجعل لي فيه الي مرضاتك دليلًا»، در این روز برای من راهنمایی به سوی خشنودیت قرار بده.

عارف بالله میرزا اسماعیل دولابی می گفت: خداوند به حضرت داود پیامبر، وحی نمود که فلان



خانم را برای همسری تو برگزیده‌ام. حضرت داود به سراغ آن خانم رفت و قضیه را مطرح کرد، ولی آن خانم گفت: من چندان عبادت و اعمال صالحی ندارم که لیاقت همسری شما را داشته باشم، خانم دیگری هم نام من در همین محلّه زندگی می‌کند که خیلی اهل عبادت است، قاعدتاً اشتباه شده و آن خانم منظور خداوند بوده است. حضرت داود که به هدایت الهی مطمئن بود، از او پرسید شما وقتی فقیر می شوید چه می‌کنید. آن خانم گفت: چون نمی‌دانم فقر برای من بهتر است یا ثروت، لذا کاری نمی‌کنم و به آن چه خدا پیش آورده تن می‌دهم. حضرت پرسید وقتی بیمار می‌شوید چه می‌کنید؟ آن خانم گفت: چون نمی‌دانم مرض برای من بهتر است یا صحت، لذا کاری نمی‌کنم و به همان که خداوند پیش آورده تمکین می‌کنم. حضرت چند فقره از این سؤالات را مطرح کرد و آن خانم هم همین گونه پاسخ داد. بعد حضرت داود گفت: با این معرفت و روح تسلیم و رضا که در شما می‌بینم، مطمئناً اشتباهی رخ نداده است و خود شما از سوی خدا برای همسری من تعیین شده اید. (مصباح الهدی، ص ۷۰)

در فراز دیگر دعا می‌گوییم: خدایا در این روز راه نفوذی برای شیطان بر من قرار نده.

جلوگیری از نفوذ شیطان

اولین راه بستن نفوذ شیطان، اخلاص است. مخلص، یعنی کسی که خداوند او را پاک کرده باشد. کلمه مخلصین به فتح لام، هشت بار در قرآن آمده است. خداوند در سوره ص از زبان شیطان می‌فرماید: قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ (۸۲) إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (۸۳) ابلیس گفت: «به عزّت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد مگر بندگان خالص تو را!» در سوره مریم آیه ۵۱ می‌فرماید: وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا؛ و در این کتاب (آسمانی) از موسی یاد کن که او مخلص و رسول و پیامبری والا مقام بود. همچنین در آیه ۲۴ سوره یوسف، خداوند می‌فرماید: إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ؛ چرا که او از بندگان مخلص ما بود.

اما کلمه مخلص به کسر لام، به معنای کسی که اخلاص دارد، چهاربار در قرآن آمده است. اخلاص یعنی این که عملی را که انسان انجام می دهد، فقط به خاطر خدا باشد، انگیزه های مادی و غیرمادی در آن دخالت نداشته باشد، تحقق اخلاص با تمرین کردن، نصیب انسان می شود. گفتن بسم الله در آغاز هر کار، زمینه خالص شدن آن را فراهم می کند و در حقیقت ارزش هر کاری به اخلاص و معرفت می باشد.

دومین راه توکل بر خداوند

قرآن می فرماید: إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (سوره نحل ایه ۹۹)؛ چرا که او، بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی ندارد. اما شیطان نسبت به کسانی از او تبعیت می کنند و گمراه هستند، تسلط دارد قرآن می فرماید: إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ (سوره حجر ۴۲) بر بندگانم تسلط نخواهی یافت؛ مگر گمراهانی که از تو پیروی می کنند.

تو را در دره پرت می کنم!

علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی در کتاب لب الالباب در سیر سلوک، نقل می کند: حاج امام قلی نخجوانی که استاد معارف مرحوم آقا سید حسین قاضی پدر مرحوم میرزا علی آقا قاضی (ره) بود و در نزد مرحوم آقا سید قریش قزوینی (ره) در اخلاقیات و معارف الهیه مراتب استکمال را طی می نمود، گفت: پس از آن که به سن پیری رسیدم، دیدم با شیطان در بالای کوهی ایستاده ایم، من دست خود را بر محاسن گذارده و به او گفتم: مرا سن پیری و کهولت فرا گرفته، اگر ممکن است از من بگذر. شیطان گفت: این طرف را نگاه کن، وقتی نظر کردم دره ای بسیار عمیق دیدم که از شدت خوف و ترس عقل انسان مبهوت می ماند.

شیطان گفت: در دل من رحم و مروت و مهر و عطوفت قرار نگرفته اگر چنگال من بر تو گیر کند و دستم به تو رسد جای تو در ته این دره خواهد بود که تماشا می کنی و چنان تو را در آن سرنگون

کنم که بند از بندت جدا شده و پیکرت قطعه قطعه شود.

حضرت علی علیه السلام فرمودند: مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَمْ يَضُرَّهُ شَيْطَانٌ، هر کس به خدا متوسل شود، شیطان به او ضرر نمی‌رساند. (تصنیف غررالحکم ودررالکلم)

اواخر عمر آیت الله کوهستانی (ره) بود که برای تجدید کارت معافیت تحصیلی، از مشهد به بهشهر آمدم. در این سفر ایشان بیمار بودند، ولی در بستر بیماری هم سیر و سلوک ویژه ای داشتند. از دیدنی‌ها و از شنیدنی‌های دنیا دور بود. در همان حال معنوی، درخواست نصیحت و پندی کردم، فرمود: ۱- همراه با قرآن باشید و از قرآن جدا نشوید. ۲- نماز شب را ترک نکنید. ۳- نماز را اول وقت بخوانید. آن مرد الهی بعد فرمود: مواظب شیطان باشید که برای فریب دادن هر انسانی آماده است. من عمری را سپری کرده‌ام دیگر وقتی برایم باقی نمانده است و فقط منتظر صدایی هستم که مرا بخواند تا با کاروان آخرت همراه شوم. با این حال شیطان می‌خواهد مرا هم وسوسه کند. در این حال صدای گریه آن رادمرد پاک باخته بلند شد.

(مجله بشارت شماره ۲۸، فروردین ۱۳۸۱، به نقل از سید عنایت الله دریاباری)

در دعای حزین با زبان حال می‌خوانیم.

فَيَا غَوْنَاهُ ثُمَّ وَآ غَوْنَاهُ بِكَ يَا اللَّهُ مِنْ هَوَى قَدْ غَلَبَنِي وَمِنْ عَدُوٍّ اسْتَكَلَبَ عَلَيَّ؛ «خدایا! کمکم کن، به دادم برس، از هوایی که بر من غالب شده! از دشمنی که چون سگ بر من پارس می‌کن.

(عده الداعی و نجاج الساعی ص ۲۰۶)

صدر المتالهین شیرازی در کتاب مفاتیح الغیب نقل کرده است که مردی می‌گفت: از پروردگار خود در خواست کردم تا محل و مکان شیطان را در دل آدمی به او نشان بدهد، پس به وقت خوابیدن و استراحت کردن، در خواب مردی را دیدم که پیکر مانند بلور است، به طوری که درون او از بیرون دیده می‌شد. خوب که به درون آن پیکر بلورین نگاه کردم، شیطان را دیدم که به صورت قورباغه‌ای با خرطوم باریک و دراز، بر روی شانه چپ او، میان گوش و دوشش نشسته و خرطومش را از شانه چپ فرو برده و به قلب او رسانده و او را وسوسه می‌کند. در این وضع وقتی

آن شخص در دل یاد خدا می کند و ذکر خدا را می گوید، آن قورباغه خود را عقب می کشد و می گریزد و این تجسم وجود شیطان و اثر ذکر و یاد خدا در قلب، روح و جسم آدم و از طرفی غفلت از یاد خدا و دوری از ذکر خدا باعث وسوسه و نفوذ شیطان در انسان است. بار پروردگارا از این دشمن قسم خورده شیطان لعین به تو پناه می بریم.

مادر شیطان ها را دیدم!

در انوار جزائری است که در سال قحطی، در مسجدی واعظی روی منبر بود و می گفت: کسی که بخواهد صدقه بدهد هفتاد شیطان به دستش می چسبند و نمی گذارند صدقه بدهد. مؤمنی پای منبر این سخنان را شنید تعجب کنان به رفقایش گفت: صدقه دادن که این چیزها را ندارد، اینک من مقداری گندم در خانه دارم، می روم و برای فقرا به مسجد خواهم آورد و از جایش حرکت کرد. وقتی که به خانه رسید و زنش از قصدش آگاه شد، شروع به سرزنش او کرد که در این سال قحطی، رعایت زن و بچه و خودت را نمی کنی؟ شاید قحطی طولانی شد، آن وقت ما از گرسنگی بمیریم و... خلاصه به قدری او را وسوسه کرد که آن مرد مؤمن دست خالی به مسجد نزد رفقا برگشت. از او پرسیدند چه شد؟ هفتاد شیطانی که به دست چسبیدند، را دیدی؟. پاسخ داد: من شیطان ها را ندیدم لکن مادر شیطان را دیدم که نگذاشت. انسان می خواهد در برابر شیاطین مقاومت کند اما شیطان به زبان زن یا رفیق و... مصلحت بینی می کند و نمی گذارد.

سه عملی که باعث چیره شدن شیطان بر انسان می شود

حضرت موسی علیه السلام در جایی نشسته بود، ناگاه ابلیس که کلاه رنگارنگی بر سر داشت نزد موسی علیه السلام آمد، وقتی که نزدیک شد کلاه خود را (به عنوان احترام) از سر برداشت و مؤدبانه نزد موسی علیه السلام ایستاد. حضرت گفت: تو کیستی؟ ابلیس جواب داد: ابلیس هستم. موسی (ع) پرسید: تو ابلیس هستی؟ خدا تو را از ما و دیگران دور گرداند. ابلیس گفت: من آمده ام به خاطر مقامی که در پیشگاه خدا داری بر تو سلام کنم. موسی پرسید: این کلاه چیست که بر سر داری؟ ابلیس پاسخ



داد: با رنگ‌ها و زرق و برق‌های این کلاه، دل انسان‌ها را می‌ربایم. موسی پرسید: به من از گناهی خبر بده که اگر انسان آن را انجام دهد، تو بر او پیروز می‌شوی و هر کجا که بخواهی افسار او را به آن جا می‌کشی. ابلیس گفت: «إِذَا أَعَجَبْتَهُ نَفْسُهُ وَ اسْتَكْثَرَ عَمَلَهُ وَ صَغُرَ فِي عَيْنِهِ ذَنْبُهُ؛ سه حالت گناه است که اگر انسان گرفتار آن شود، من بر او چیره می‌گردم:

۱- هنگامی که او خودبین شود و از خودش خوشش آید.

۲- هنگامی که او عمل خود را بسیار بشمرد.

۳- هنگامی که گناه در نظرش کوچک گردد. (الکافی، ج ۲، ص ۳۱۴)

مأخذ: سخنرانی‌های حجج اسلام حمید ملکی و عرفان

